

واکاوی دلایل ضعف لابی‌های ایرانی در آمریکا

علیرضا کوهکن*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* علیرضا کوهکن استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد.
koohkan2001@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۴/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۸

فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۹۵-۶۹.

چکیده

سیاست خارجی آمریکا به صورت یک تعامل پیچیده میان گروه‌های ذی‌نفع، لابی‌ها، سیاستمداران و تصمیم‌گیران حاکم تنظیم می‌شود که در این روند نقش لابی‌ها بسیار پررنگ و مهم است. به همین جهت، اکثر گروه‌های ذی‌نفع دارای لابی‌هایی در آمریکا هستند. اما ایرانیان از وجود یک لابی قدرتمند بی‌بهره‌اند. سؤال اصلی این نوشتار، چرایی نبود یک لابی موثر ایرانی در آمریکاست. در پاسخ به این سؤال، دو دسته پاسخ وجود دارد که یکی مربوط به وضعیت و مشکلات ایرانی‌تباران ساکن آمریکا و دیگری مربوط به عملکرد جمهوری اسلامی است. بخش نخست، پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بخش دوم بر اساس پیمایشی است که با استفاده از نظرات مسئولان ارشد ایرانی به انجام رسیده است. بر اساس نتایج این نوشتار، اکثر موانع موجود بر سر راه ایجاد یک لابی قدرتمند ایرانی که منافع ایران را در آمریکا پیگیری کند به صورتی است که با برنامه‌ریزی صحیح و داشتن ساختاری منسجم می‌توان آنها را از پیش رو برداشت و در جهت تغییر سیاست آمریکا نسبت به ایران حرکت نمود.

واژه‌های کلیدی: لابی، لابی‌ایران، ایرانیان ساکن آمریکا، ایالات متحده

مقدمه

در بررسی سیاست‌های جهانی در بخش سیاست سخت، جهت‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده عاملی است که نمی‌تواند نادیده گرفته شود. سیاست خارجی آمریکا به صورت یک تعامل پیچیده میان گروه‌های ذی‌نفوذ، لابی‌ها، سیاستمداران و تصمیم‌گیران حاکم تنظیم می‌شود که در این روند نقش لابی‌ها بسیار پررنگ و مهم است. این گروه‌ها در مناطق و مباحث مورد علاقه‌شان که نفعی در آن دارند بسیار تأثیرگذارند.

از مهم‌ترین و موفق‌ترین گروه‌های لابی در سیاست خارجی آمریکا، لابی ایپک^۱، کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل است که بر سیاست خارجی آمریکا به خصوص در خاورمیانه تأثیر بسیاری دارد و مورد حمایت یهودیان صهیونیست می‌باشد. از سوی دیگر، شاهد قدرت‌نمایی لابی کوبا در خصوص سیاست خارجی آمریکا در قبال کوبا هستیم. این لابی نیز مورد حمایت کوبایی تباران ساکن آمریکاست. اهمیت این گروه‌ها را می‌توان بر حسب تأثیرشان درک کرد. ایالات متحده اسرائیل را بر بیست و چند کشور عرب و مسلمان و افکار عمومی یک میلیارد مسلمان جهان ترجیح می‌دهد و در سیاست خود در قبال کوبا، علی‌رغم خواست دولت کوبا و گذشت مدت زمان زیادی از این بحران، تغییری ایجاد نکرده است.

با توجه به تعارض موجود در سیاست خارجی ایران و آمریکا و مشکلاتی که این تعارض برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است و از سوی دیگر، با توجه به وضعیت ایرانیان، تعداد، سطح و طبقه اجتماعی آنان، این سؤال مطرح شود که چرا ایرانیان از وجود لابی‌های قدرتمندی که منافع و خواسته‌هایشان را نمایندگی کنند،

بی‌بهره هستند؛ در حالی که وجود دو لابی قدرتمند مذهبی و قومیتی امکان ایجاد چنین گروه‌هایی را تایید می‌کند.

بررسی سؤال فوق و یافتن پاسخ مناسب برای آن، نیازمند آگاهی از چند مسئله است. نخست، باید دانست که منظور از لابی و لابی‌گری در آمریکا چیست. سپس اطلاعاتی درباره وضعیت ایرانیان ساکن در ایالات متحده از لحاظ تعداد و جمعیت و همچنین وضعیت اجتماعی و تحصیلاتی و سازماندهی فعلی این جمعیت و گروه‌هایی که در حال حاضر مدعی نمایندگی آن هستند، ضروری است.

در ادامه می‌توان به تفصیل موانع شکل‌گیری لابی قدرتمند ایرانی در آمریکا را بررسی کرد. به همین منظور به وضعیت ایرانی‌تباران در آمریکا و عملکرد جمهوری اسلامی به عنوان دولتی ذی‌نفع که انتظار می‌رود فعالیت جدی در این زمینه داشته باشد، اشاره خواهد شد. علل داخلی ضعف لابی ایرانیان در ایالات متحده بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد موجود جمع‌آوری شده است. اما از آنجا که برای شناخت عملکرد جمهوری اسلامی درباره لابی‌گری در آمریکا، اطلاعات موثقی وجود ندارد، پیمایشی با بهره‌گیری از نظرات مقامات ارشد دارای مسئولیت در این حوزه انجام شد که نتایج آن ارائه می‌گردد. این پیمایش با توجه به افراد مصاحبه شونده و سطح مسئولیت آنان و همچنین حوزه مسئولیتشان، برجسته‌ترین شاخصه این نوشتار را شکل می‌دهد.

باید توجه داشت که شناخت دلایل عملکرد ناموفق لابی ایرانیان، موضوعی است که آگاهی از آن می‌تواند در اصلاح وضعیت موجود و پیش‌بینی چشم‌انداز آینده بسیار مؤثر باشد و یکی از ابزارهای بسیار مؤثری را که در اختیار جمهوری اسلامی برای تغییر سیاست ایالات متحده قرار دارد، فعال و کارآمد سازد.

۱. تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

مفهوم اساسی مورد بحث این نوشتار، لابی و لابی‌گری است. «لابی» در لغت به معنای «سرسرا» است. مطابق دانشنامه سیاسی لابی‌گری در اصطلاح سیاسی آمریکا، به معنای نفوذ در قوه قانون‌گذاری (از راه تماس با اعضای دو مجلس و زیر نفوذ در آوردن آنها)

و اجرای نظرات خود از آن راه است. گروه‌های قدرتمند با نفوذ از طریق تماس با اعضای سنا یا مجلس نمایندگان در «سراسر»ها یا بخش‌هایی از ساختمان مجلس که همگان به آن دسترسی دارند، برای رد یا تصویب لایحه‌های مورد نظر خود می‌کوشند. دولت‌های وابسته به آمریکا نیز از راه‌های گوناگون لابی‌گری (از جمله حمایت مالی از مقامات سیاسی و پارلمان) به مقاصد خود که جلب پشتیبانی سیاسی یا نظامی دولت آمریکاست، دست می‌یابند» (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۶۶).

البته هم اکنون لابی به گروه‌های با نفوذ و قوی اطلاق می‌شود و در سطح گروه‌ها و دسته‌ها تبلور می‌یابد و دیگر سخنی از فرد یا افراد نیست. پس تعریفی که می‌توان به طور کلی از لابی بیان کرد، عبارت از این است که «گروهی که با منافع مشترک سعی می‌کنند با نفوذ در نظام سیاسی کشور، قانون یا خط مشی خاصی را در حمایت از اهداف و خواسته‌های خویش به تصویب برسانند و یا حتی به نفع خود تغییر دهند.» این نفوذ از کانال‌های مختلف عملی می‌شود.

برخی صاحب‌نظران در این باره می‌گویند: «این فعالیت که عملاً نوعی دخالت و نفوذ سیاسی است، به صورت مختلف و متعددی انجام می‌گیرد، از جمله: بحث با افراد کنگره و دیگر رهبران سیاسی، تهیه گزارش، ایراد سخنرانی و انجام دادن تجزیه و تحلیل‌های حقوقی و در مورد اخیر؛ بعضی از لابی‌ها تا آنجا پیش می‌روند که حتی پیش نویس قانونی طرح و یا لایحه مورد نظر خود را برای نمایندگان و کنگره تهیه می‌نمایند. طرق دیگر اعمال نفوذ توسط این گروه‌ها عبارتند از: ایجاد ارتباط با دستیاران و شخصیت‌های با قدرت در زمینه قانون‌گذاری، انتشار اطلاعات و تحریک انتخاب‌کنندگان به تماس تلفنی و نوشتن نامه به نمایندگان درباره مسائل و موضوعات مورد نظر، ترتیب دادن جلسات سخنرانی برای سیاست‌مداران و نمایندگان موافق» (اوبرین، ۱۳۶۹: ۲۵۶). در حال حاضر، به ازای هر نماینده کنگره، ۲۶ لابی‌گر در آمریکا وجود دارد و بسیاری از مقامات سابق پس از ترک پست خود، شغل لابی‌گری را انتخاب می‌نمایند. از لابی‌های فعال در حوزه سیاست خارجی آمریکا می‌توان به لابی ایپیک، لابی کوبا، لابی ژاپن و لابی چین اشاره کرد. هر کدام از این لابی‌ها از جهتی مهم بوده و عملکرد متمایزی دارند.

چارچوب نظری این نوشتار مبتنی بر نظریه آرتور بنتلی درباره نقش گروه‌های

ذی نفوذ در سیاست ایالات متحده است. این نظریه، نخستین نظریه منسجم درباره گروه و نقش، اهمیت و جایگاه آن در آمریکا است که بر پایه بنیان‌های علمی نوین طراحی شده است.

از نظر بنتلی، باید توجه داشت که افراد در جامعه برای دستیابی به اهدافشان به صورت فردی عمل نمی‌کنند بلکه از گروه‌هایی کمک می‌گیرند که متشکل از افرادی است که با آنها منافع مشترکی دارند. وجه مشخصه این گروه‌ها، فعالیت است که پیگیری می‌کنند (Shakhnazarov, 1985: 92). در این میان به نظر بنتلی، کنش گروهی در روابط میان گروه‌ها، روندی دائماً متغیر و پویا است که در آن نیروهای اجتماعی برای فشار آوردن به دولت برای اجرای خواسته‌هایشان تلاش می‌کنند. در جریان این روند، گروه‌های قدرتمندتر مسلط شده و گروه‌های ضعیف‌تر مجبور به پیروی از آنها می‌شوند و دولت هم سعی می‌کند خود را با شرایط وفق داده و به نقطه تعادلی در میان گروه‌های رقیب تبدیل شود. هر اتفاقی باعث فشار متقابل بر دولت و گروه‌ها شده و نحوه شکل‌بندی آنها را تغییر می‌دهد و باعث به وجود آمدن سازمان یا ارگان جدیدی در دولت می‌شود تا در رسیدن به نقطه تعادل کمک کند (Bentley, 1908: 258-259).

به اعتقاد، بنتلی در این روند، با توجه به شرایط داخلی و نیروهای موثر گروه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و از هم جدا می‌شوند. اعضای هر یک از گروه‌ها نیز می‌دانند که چگونه باید رفتار خود را متناسب با شرایط تغییر دهند. در بعضی موارد، تضادها و منازعات به صورت مسالمت‌آمیز حل شده و به تشکیل یک نهاد جدید دولتی منجر می‌شود. در دیگر موارد، نهادهای دولتی موجود آن قدر قدرت دارند که مسئله را کنترل کرده و نوعی تعادل شکننده برای حفظ وضع موجود برقرار سازند. در این صورت است که وضعیت تا زمانی که شرایط تغییر کند، ثابت باقی می‌ماند (Taylor, 1957: 117). ثبات حکومت و هیئت حاکمه که پیش زمینه‌ای برای ثبات کل دولت است، نیازمند یافتن راهی مناسب برای حل منازعات درون گروهی و عمل کردن به عنوان میانجی میان گروه‌های مختلف نفوذ است. روند اداره دولت به عنوان نقطه تعادل میان دعوای مختلف گروهی با تکامل دموکراسی اکثریت مدار و ارجحیت آن، وضعیت خاصی به خود گرفته که بنتلی آن را نوعی رفتار متعارف

گروهی^۱ می‌نامد.

نظریه گروه‌های نفوذ بتلی بر فهم منشأ و نقش گروه‌های اجتماعی در اداره دولت مبتنی است. او به جامعه به عنوان جمعی از گروه‌های متعدد متفاوت نگاه می‌کند که حرکت آنها و جمع جبری تمایلاتشان باعث جهت‌دهی به دولت می‌شود. نگاه بتلی به سیاست به عنوان روند رقابت گروه‌های متعدد با منافع خاص سیاسی، نظریه او را تا حدودی نسبی‌گرا می‌کند. اما او فکر می‌کرد نگاهش به سیاست به عنوان روندی که بر اساس آن گروه‌های مجزا از یکدیگر بر اساس منافع با هم پیوند می‌خورند و بعد از اتمام کار، دوباره از هم جدا می‌شوند، شناخت صحیحی از سیاست در زندگی عمومی ایالات متحده به دست می‌دهد.

بتلی همه عوامل قابل توجه سیاسی را در چارچوب گروه‌ها می‌بیند و تفسیر می‌کند. از نظر او، ایالات و شهرستان‌ها «گروه‌های محلی»، نظام قانونی مجموعه‌ای از «گروه‌های قانون»، مجموعه‌های درآمدی «گروه‌های ثروت» و طرفداران منفرد سیاستمداران «گروه‌های شخصیت» هستند و گروه‌های نفوذ در قلب این سیستم قرار دارند و نظام‌های دموکراتیک یا دیکتاتوری‌ها از این نظر با یکدیگر تفاوتی ندارند.

نوع نگاه این نوشتار به لابی‌ها و نقش آنها در سیاست خارجی بر اساس همین نظریات است. نظریه بتلی درباره جایگاه و نقش لابی‌ها در سیاست ایالات متحده و نحوه عمل آنها، راهنمایی است که بر اساس آن به ارزیابی جایگاه لابی ایرانیان در آمریکا پرداخته می‌شود.

۲. وضعیت ایرانیان و لابی‌های فعال کنونی آنان

در این میان، یکی از مسائل که مهم وضعیت ایرانیان ساکن در آمریکا، جمعیت، استعداد مالی و تحصیلاتی و طبقه اجتماعی آنان است. این موارد از عوامل مهم شکل‌دهی به یک لابی در ایالات متحده محسوب می‌شود. از سوی دیگر، شناخت سازمان‌های فعال کنونی برای لابی‌گری در ایالات متحده نیز ضروری است. البته لازم به ذکر است که ایران در زمان حکومت محمدرضا پهلوی، توانایی بالایی در

لابی‌گری در نظام سیاسی ایالات متحده داشته است (بیل، ۱۳۷۱) که این نوشتار مجال پرداختن به آن را ندارد. در ادامه به دو بحث اشاره شده فوق، پرداخته می‌شود.

۲-۱. وضعیت ایرانی‌تباران ساکن آمریکا

درباره وضعیت ایرانیان در ایالات متحده، اطلاعات دقیقی وجود ندارد و منابع مختلف اطلاعات ضد و نقیض فراوانی منتشر می‌کنند. در میان این منابع، معتبرترین منبع، سرشماری رسمی سال ۲۰۰۰ انجام شده در آمریکا است. به غیر از این سرشماری، تعدادی نظرسنجی و سرشماری هم توسط موسسه تکنولوژی ماساچوست^۱ و دیگر مؤسسات معتبر انجام شده است. در ادامه به مهم‌ترین عوامل مطرح شده در این منابع اشاره می‌شود.

نخستین موضوع، تعداد ایرانیان موجود در ایالات متحده است. تنها آمار رسمی نشانگر جمعیت ایرانیان ساکن در آمریکا متعلق به همه‌پرسی سال ۲۰۰۰ میلادی است، که در آن تعداد اقلیت‌های نژادی ساکن در آمریکا مورد بررسی قرار گرفت. در آن همه‌پرسی بیش از ۳۳۸ هزار نفر داوطلبانه خود را «ایرانی» (یا ایرانی‌تبار) معرفی کردند (Mostashari, 2003). این در حالی است که بررسی موسسه ام‌آی‌تی در سال ۲۰۰۴ تعداد ایرانی‌تباران را ۶۹۱ هزار نفر برآورد می‌کند که بیش از دو برابر ارزیابی قبلی است (Mostashari, 2003).

اما گفته می‌شود دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن دی.سی مدعی است که ۹۰۰ هزار پرونده گذرنامه از ایرانیان در آمریکا در اختیار دارد. شورای ملی ایرانیان آمریکا معتقد است که جمعیت ایرانیان در آمریکا بیش از یک میلیون نفر است. همچنین بعضی منابع از وجود دو میلیون ایرانی در ایالات متحده سخن گفته‌اند (Fata and Rafii, 2003).

در سال ۲۰۰۹، یک سرشماری اختیاری توسط شورای ملی ایرانیان آمریکایی انجام شده که طبق آن حدود یک و نیم میلیون ایرانی در آمریکا ساکن هستند (Ansari, 2009). از ایرانیان ساکن در آمریکا، ۸۱ درصد شهروند ایالات متحده

1. Massachusetts Institute of Technology (MIT)

محسوب می‌شوند و ۱۵ درصد نیز دارای اجازه اقامت دائم هستند (Hakimzadeh, and Dixon, 2005).

ایرانیان مقیم آمریکا، تحصیل کرده‌ترین گروه نژادی در کشور آمریکا محسوب می‌شوند (امین، ۱۳۸۷: ۱۹). بر طبق اداره آمار آمریکا، در سرشماری سال ۲۰۰۰، نزدیک به ۲۷ درصد ایرانیان آمریکایی دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالا می‌باشند، که از این لحاظ در میان گروه‌های مهاجر آمریکایی در رتبه نخست قرار می‌گیرند. همچنین بیش از ۵۶ درصد ایرانیان مقیم آمریکا دارای مدرک کارشناسی می‌باشند که از این حیث در میان ۶۷ گروه مهاجر آمریکا در رتبه دوم قرار می‌گیرند. (Mostashari, 2003).

طبق یکی از محاسبات دانشگاه ام.آی.تی، مهاجران ایرانی ۵۰ درصد بالاتر از حد میانگین جامعه در ایالات متحده درآمد کسب می‌کنند و از گروه‌های موفق جامعه آمریکا محسوب می‌شوند. همین برآورد نشان می‌دهد سهم ایرانیان در اقتصاد ایالات متحده بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار در سال است و ثروتی بیش از ۸۸۰ میلیارد دلار در اختیار دارند (Sarkhili, 2007).

همه این اطلاعات بیانگر این حقیقت است که ایرانیان توانایی شکل‌دهی به یک لابی قدرتمند در ایالات متحده را دارا هستند.

۲-۲. لابی‌های فعال ایرانی

در جامعه ایرانیان ساکن آمریکا، گروه‌های متعددی وجود دارند که مدعی نمایندگی اکثریت این جامعه هستند و بعضی از آنها تبلیغات گسترده‌ای نیز انجام می‌دهند. اما واقعیت این است که آمریکائیان ایرانی تبار از هیچ کدام از این گروه‌ها حمایت نمی‌کنند. از همین رو، برخلاف گروه‌هایی مانند صهیونیست‌ها، آرامنه و کوبایی‌ها، هیچ گروهی در خیابان کی^(۱) واشنگتن وجود ندارد که منافع ایرانیان را نمایندگی کند.

در مورد لابی‌های انجام شده به نفع ایران باید گفت که این لابی‌ها را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد: نخست، لابی‌هایی که مستقیماً با دولت جمهوری اسلامی در ارتباط هستند و از سوی آن مدیریت می‌شوند. دومین گروه، لابی‌های مرتبط با تجار ایرانی ثروتمند ساکن در ایران یا آمریکاست که به سبب ضرر از

تحریم‌ها مشغول لابی به نفع کاهش فشار بر ایران هستند. سومین گروه، لابی شرکت‌های بزرگ آمریکایی است که به سبب تحریم‌های اعمال شده علیه ایران بازار پرسود داخلی ایران را از دست داده‌اند و درصدد هستند این مشکل را رفع کنند. مهم‌ترین لابی‌های این حوزه به شرکت‌های بزرگ نفتی تعلق دارند.

در میان گروه‌های مدعی نمایندگی جامعه ایرانی‌تباران که دست به لابی‌گری زده‌اند، سه گروه بیشتر از دیگران شناخته شده هستند که در ادامه به صورت گذرا به آنها اشاره خواهد شد. هر کدام از این گروه‌ها، نماینده یکی از موارد ذکر شده در تقسیم‌بندی لابی‌های ایرانی است.

۱-۲-۲. شورای ملی ایرانیان آمریکایی

شورای ملی ایرانیان آمریکایی (نیاک)^۱ در حال حاضر اولین گروهی است که خود را مدعی نمایندگی جامعه ایرانی‌تباران می‌داند. این مجموعه خود را سازمانی غیرانتفاعی و عام‌المنفعه معرفی می‌کند که برای پیشبرد منافع جامعه ایرانیان آمریکا تأسیس شده است (وبسایت رسمی نیاک، ۱۳۹۰). هدف نیاک فراهم آوردن دانش و ابزارهای مدنی برای مشارکت فعال مردمی توسط آمریکایی‌های ایرانی‌تبار همراه با اطلاع‌رسانی آگاهانه به قانون‌گذاران کنگره آمریکا می‌باشد (جامعه مجازی ایرانی، ۱۳۹۰). نیاک در سال ۲۰۰۲ در واشنگتن تأسیس شد. مؤسس و مدیر فعلی نیاک، تریتا پارسی است. او در اعلامیه‌ای که به مناسبت شروع کارش منتشر ساخت، هدف خود را مبارزه برای کاهش تحریم‌های ایران عنوان کرد. (Geocities, 2010).

شورای ملی ایرانیان آمریکایی برای تأمین هزینه‌های خود به کمک‌های ایرانیان و همچنین کمک بعضی بنیادها مانند بنیاد راکفلر وابسته است.

۲-۲-۲. شورای آمریکایی ایرانی

شورای آمریکایی ایرانی^۲ در سال ۱۹۹۷ در ایالت نیوجرسی تأسیس شده است. مدیر این شورا، هوشنگ امیر احمدی، استاد دانشگاه در آمریکاست. این سازمان

1. National Iranain American Council (NIAC)

2. American Iranian Council (AIC)

خود را غیر حزبی و غیرسیاسی و دارای اهداف آموزشی و سازماندهی اجتماعی معرفی کرده است (American Iranian Council Website, No Date).

تلاش برای رفع تحریم‌های مالی و تجاری با ایران یکی دیگر از اهداف این شورا است. از آنجا که این تحریم‌ها مانع از ارتباط مالی میان ایران و آمریکا می‌گردد، بسیاری از ایرانی‌تباران ساکن آمریکا از کمک به خانواده درجه یک خود در ایران محروم می‌گردند. بنابراین، باید تلاش کرد از این تبعیضات جلوگیری شود. به این منظور، شورای آمریکایی ایرانی به ارتباط با اعضای کنگره و دولت‌مردان آمریکا برای توضیح درباره تحریم‌ها و آثار نادرست آنها و تلاش برای رفع آنها مبادرت می‌ورزد (کاظمیان، ۱۳۸۷).

باید توجه داشت که اوج فعالیت شورای آمریکایی ایرانی در اواخر دولت کلینتون بود. در آن زمان بحث ایجاد ارتباط بین ایران و آمریکا با شدت زیادی مطرح بود و بعضی از امیر احمدی به عنوان دلال میان ایران و آمریکا یاد می‌کردند. در آن زمان، امیر احمدی چندین دیدار با رئیس جمهور آمریکا و همچنین مقامات ارشد ایران صورت داد.^(۲)

۲-۲-۳. اتحاد امور عمومی ایرانیان آمریکائیان

اتحاد امور عمومی ایرانیان آمریکائیان (پایا) یک سازمان دیگر فعال در امور ایرانیان آمریکایی است. این سازمان غیرسیاسی و غیر حزبی بوده و برنامه‌های آموزشی، تحقیقاتی و عمومی دارد. پایا در آگوست سال ۲۰۰۷ تأسیس شد و از آوریل ۲۰۰۸ اقدامات عمومی‌اش را شروع کرد (PAAIA Official WebSite, 2008).

این سازمان در کنار خود بنیادی^۲ دارد که از امور فرهنگی و آموزشی برای رسیدن به اهداف خود حمایت می‌کند. ایجاد ارتباط با دانشجویان ایرانی در آمریکا و فراهم آوردن شرایط ورود جوانان ایرانی تبار به فعالیت‌های عمومی از دیگر اهداف این بنیاد است. البته اتحاد امور عمومی ایرانیان آمریکائیان و بنیاد پایا دارای دو هیئت مدیره و کادر رهبری مجزا هستند ولی اهداف و کارکردهای مشترکی دارند.

1. the Public Affairs Alliance of Iranian Americans (PAAIA)

2. PAAIA Fund

پایا به یک کمیته کنش سیاسی هم مرتبط است تا از طریق آن شرایط مشارکت ایرانی تباران را در انتخابات آمریکا برای حمایت از کاندیداهای حزبی و حتی مبارزه برای دستیابی به قدرت فراهم کند (PAAIA Official WebSite, 2008).

کمیته کنش سیاسی ایرانیان آمریکایی^۱ از تلاش ایرانیان برای شرکت در رقابت‌های انتخاباتی حمایت می‌کند و به دنبال آن است که جامعه ایرانیان در جایگاه‌های سیاسی محلی و ملی دارای نمایندگانی باشد. البته کمیته کنش سیاسی در سال ۲۰۰۳ توسط حسین نمازی ایجاد شد و در سال ۲۰۰۸ به پایا پیوست (IAPAC Website, 2009).

به غیر از این گروه‌ها، سازمان‌های متعدد دیگری هم وجود دارند که نتایج عملکردشان قابل توجه نیست و پرداختن به آنها ضرورتی ندارد.

۳. موانع شکل‌گیری لابی قدرتمند ایرانی

همان‌گونه که ذکر شد، با توجه به پتانسیل موجود در ایرانیان ساکن ایالات متحده و همچنین امکانات، ظرفیت و سطح و طبقه اجتماعی آنان، انتظار می‌رود که ایرانی تباران یک لابی فعال و قدرتمند در آمریکا در اختیار داشته باشند که هم منافع آنان را حفظ کند و هم به نفع منافع ملی ایران عمل کند. اما در هر دو جهت، این انتظار به حقیقت نپیوسته است.

اینکه به چه دلیل یا دلایلی این امر رخ نداده است، مسئله مهمی است. زیرا با شناخت این عوامل می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب بر آنها غلبه کرد و امکان ایجاد یک لابی قدرتمند را به وجود آورد. از آنجا که این ناکارآمدی در دو حوزه عدم وجود لابی برای منافع ایرانی تباران ساکن آمریکا و همچنین لابی ایرانیان به نفع جمهوری اسلامی مشاهده می‌شود، عوامل آن هم در همین دو دسته قابل ارزیابی می‌باشند.

۳-۱. مشکلات ایرانی تباران برای ایجاد لابی

اینکه ایرانیان ساکن ایالات متحده نتوانسته‌اند مانند بعضی دیگر از اقلیت‌های نژادی ساکن آمریکا، یک لابی قدرتمند داشته باشند تا منافعشان را نمایندگی کند، به دلیل برخی مشکلات است که در ادامه مهم‌ترین آنها توضیح داده می‌شود.

1. Iranian American Political Action Committee (IAPAC)

۱-۱-۳. نداشتن هویت واحد

یکی از اولین موانع در تأسیس یک لابی قدرتمند میان ایرانیان، نداشتن هویت واحد است. این امر مشخص است که ایرانیان مهاجر بسیار زود خود را با محیط جدید وفق داده‌اند و با توجه به رنگ پوست و شکل ظاهری نیز چندان از ساکنان اصلی قابل تمایز نیستند. به همین جهت، آنان به راحتی در جامعه جدید حل شده‌اند و از فرهنگ اصلی خود فاصله می‌گرفته‌اند. این نکته در مورد مهاجران اولیه مصداق بیشتری دارد. برای نمونه، تعداد زیادی از ایرانیان، خود را فارس^۱ و نه ایرانی معرفی می‌کنند تا معرف ملیت‌شان نباشد (همه رنگ. آبان ۱۳۸۵).

مسئله دیگر خجالت از ایرانی خواندن خود است. با توجه به احساس خود کوچک بینی نسبت به غربیان، مهاجرین جدید تلاش زیادی می‌کنند که خود را غربی معرفی کنند و گذشته خود را به کلی به فراموشی بسپارند.

به این مسئله باید مشکلات شدید موجود بین ایران و آمریکا را نیز اضافه کرد. وقتی فردی در یک کشور متخصص زندگی می‌کند، طبیعتاً سعی می‌کند هویت واقعی خود را آشکار نسازد و حتی اگر آن را انکار نکند، برایش تبلیغ هم نمی‌کند. این سوء ظن که هر ایرانی می‌تواند عاملی از سوی جمهوری اسلامی باشد، سبب شده است تا بعضی ایرانیان برای رفع اتهام از خود، ایرانی بودنشان را کنار بگذارند.

در تحقیقی که توسط بی.بی.سی انجام شده است، نشان داده شده است که بسیاری از افراد متعلق به نسل اول مهاجرین ایرانی به آمریکا، از اینکه ابراز کنند ایرانی هستند امتناع می‌ورزند و ترجیح می‌دهند یک آمریکایی شناخته شوند و کسی از گذشته شان خبر نداشته باشد. این نگرش به تدریج در حال تغییر است. در نسل‌های جدید خانواده‌های مهاجر، علاقه به ایرانی شناخته شدن افزایش یافته است (همه رنگ. آبان ۱۳۸۵). یک دلیل این امر، عادی شدن زندگی در غرب و آشنایی با مشکلات فرهنگی موجود و همچنین رنج ناشی از بی‌هویتی است.

۱-۲-۳. فقدان ارتباطات کافی

یکی از مشکلات ایرانی‌تباران فقدان ارتباطات کافی با دیگر ایرانیان ساکن

آمریکاست. به دلیل مشکلات فرهنگی و البته سیاسی و عدم اعتماد موجود، ایرانیان سعی دارند تا از هم‌وطنان خود فاصله بگیرند و با دیگر ساکنان آمریکا ارتباط داشته باشند. به همین دلیل است که نمی‌توان یک کانون یا مجمع یافت که عهده‌دار ارتباطات میان ایرانیان باشد. حتی یک بنگاه کاریابی هم وجود ندارد که خدمات لازم را به ایرانیان ارائه دهد و مواردی مانند این زیاد است.

یکی دیگر از شواهد موجود، مشخص نبودن تعداد ایرانی‌تباران ساکن آمریکا است که سبب شده است آنان از امکاناتی که ممکن است به خاطر میزان جمعیتشان به آنان اختصاص یابد، محروم شوند. این مسئله علیرغم حضور تعداد زیادی از ایرانیان در آمریکا، حداقل از سی سال پیش تاکنون همچنان به قوت خود باقی است.

عدم وجود ارتباطات کافی سبب شده است تا ایرانی‌تباران امکان بسیج مناسب نداشته باشد و نتوانند به موقع از منافعشان دفاع کنند. برای نمونه، در زمانی که بحث ممنوعیت ورود ایرانیان به آمریکا یا حتی اخراج ایرانی‌تباران ساکن این کشور مطرح شد، این جامعه به دفاع مناسب از خود نپرداخت و کار ساده‌ای مثل نامه‌نگاری با مسئولان را نیز نتوانست انجام دهد.

البته اخیراً مشاهده شده است که ایرانیان در خصوص موضوعاتی که به آن حساس هستند مانند نام خلیج فارس و یا عدم حمله نظامی به ایران، توانسته‌اند دست به مبارزه مناسب و نامه‌نگاری بزنند و تا حدودی هم موفق شوند (NIAC Official Website, No Date). بنابراین، می‌توان امیدوار بود که در آینده بتوان یک شبکه موثر ارتباطات اجتماعی در میان این جامعه ایجاد کرد.

۳-۱-۳. فقدان رهبری قدرتمند و واحد
 برخوردار از رهبری قدرتمند و واحد که بتواند در شروع کار، افراد دارای تبار یکسان را گرد هم آورد، برای شکل‌گیری یک لابی قدرتمند ضروری است. ایرانیان به سبب تفاوت‌های فراوان ایدئولوژیک و دلایل متعدد برای مهاجرت، فاقد رهبری هستند.

حتی در میان وابستگان به نظام سلطنتی در ایران نیز که به دلیل وقوع انقلاب از کشور خارج شدند، پذیرفتن فرزند شاه مخلوع به عنوان رهبر با ابهام مواجه است و

گفته می‌شود که این افراد برای استفاده از منابع مالی خانواده پهلوی گرد آن جمع شده‌اند.

به هر صورت، اینکه ایرانیان حاضر نیستند زیر بیرق واحدی بروند و منافع خود را از طریق مدیریت یک نفر پیگیری کنند، مشکلی است که سبب شده جامعه یکپارچه ایرانی تباران در آمریکا شکل نگیرد. بعضی با دید جامعه‌شناسانه، دلیل این امر را به ناتوانی ایرانیان در انجام کارهای جمعی نسبت می‌دهند (فولر، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶).

دلیل دیگر شکل نگرفتن لابی این است که فعالان سیاسی ایرانی در آمریکا بسیار اندک هستند و ایرانی‌ها از همان حداقل هم حمایت نمی‌کنند. هنوز در میان ایرانیان مهاجر این تصور شکل نگرفته است که یک سناتور، شهردار یا نماینده ایرانی تا چه اندازه می‌تواند به منافع ایرانیان ساکن آمریکا کمک کند (همه رنگ. آبان ۱۳۸۵).

۴-۱-۳. فقدان هدفی واحد

بی‌تردید، مهم‌ترین دلیل عدم شکل‌گیری لابی ایرانیان در آمریکا، عدم وجود هدفی واحد و مشترک است که این جمعیت را که از انواع پتانسیل‌های لازم برخوردار می‌باشد گرد خود متحد سازد. ایرانیان مهاجر از ایران به دلایل بسیار متفاوتی از کشور خارج شده‌اند. برخی از سران رژیم شاهنشاهی بودند که به سبب وقوع انقلاب اسلامی از ایران گریختند. برخی دیگر دانشجویانی بودند که در آمریکا تحصیل می‌کردند و بعد از پایان تحصیل در آن کشور ماندگار شدند. برخی نیز کسانی هستند که در جستجوی شرایط بهتر اقتصادی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. عده‌ای دیگر نیز بازرگانانی هستند که برای تجارت به آمریکا رفته‌اند.

در این طیف گسترده، از مخالفین سرسخت جمهوری اسلامی تا موافقین و فدائیان آن دیده می‌شود. بنابراین، در میان ایرانیان مهاجر نظری واحد درباره نظام حاکم بر ایران و لزوم کمک به آن وجود ندارد. حتی آنان از اشتراک مذهبی نیز برخوردار نیستند. در حالی که چهل درصد آنان خود را مسلمان، اعلام کرده‌اند چهل درصد نیز هیچ مذهبی را به عنوان مذهب خود اعلام نکرده‌اند.

حتی مخالفان جمهوری اسلامی نیز به دسته‌جات گوناگونی تعلق دارند. طیف وسیعی از سلطنت‌طلبان و لیبرال‌ها گرفته تا مارکسیست‌ها و مجاهدین خلق در

آمریکا حضور داشته و فعال هستند. این مزیت سبب شده است تا یک لابی قدرتمند در مخالفت با ایران در آمریکا شکل بگیرد.^(۳)

۵-۱-۳. وجود گروه‌های مختلف و متعارض

یکی دیگر از مشکلاتی که در میان لابی‌های ایرانی دیده می‌شود، وجود تعارض داخلی میان آنهاست. همین اندک گروه‌هایی نیز که فعالیت دارند با یکدیگر به توافق نمی‌رسند. همان‌گونه که اشاره شد، در حال حاضر برخی گروه‌ها وجود دارند که به نفع رفع تحریم‌ها و جلوگیری از حمله نظامی به ایران فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها با یکدیگر همکاری لازم را ندارند و از سوی دیگر، گروه‌های مخالف به شدت به آنها حمله کرده و نتایج تلاش‌هایشان را بر باد می‌دهند.

نمونه مشخص در این خصوص، عملکرد لابی مجاهدین خلق در باطل کردن اثرات تلاش‌های لابی نیاک و شورای آمریکایی ایرانی است. تبلیغات مختلفی که در این راستا انجام می‌شود، سبب شده است تا اعتبار گروه‌های ایرانی در میان اعضای کنگره به زیر سؤال برود و دیگر گروه‌ها نیز نتوانند اقدامات مؤثری انجام دهند (داعی، فوریه ۲۰۰۷).

میزان ضدیت در میان گروه‌ها به حدی است که حتی در راستای اقداماتی که منافع مستقیمی برای ایرانی‌تباران ساکن ایالات متحده دارد نیز آنها حاضر به همکاری با یکدیگر نیستند. شاید به همین دلیل است که امتیازات مهاجرتی و ویزا برای ایرانیان نسبت به دیگر اقلیت‌ها بسیار ضعیف و ناچیز است.

۶-۱-۳. تفاوت ایدئولوژیک با ارزش‌های آمریکایی

یکی از دلایل عدم توانایی ایرانیان برای شکل دادن به یک لابی طرفدار منافع جمهوری اسلامی در آمریکا، وجود تفاوت‌های ذاتی ایدئولوژیک میان نظام جمهوری اسلامی و ایالات متحده است که این دو را به رقبای استراتژیک در عرصه فرهنگی تبدیل کرده است.

واقعیت این است که در شرایطی که هر روزه در تهران شعار «مرگ بر آمریکا» سر داده می‌شود و در واشنگتن مقامات کاخ سفید و کنگره به دنبال راهی برای ضربه وارد آوردن به جمهوری اسلامی هستند، فضای مناسب برای کار لابی‌گران

وجود ندارد. مهم‌ترین کار لابی‌گر، اقناع مقام تصمیم‌گیرنده درباره مناسب بودن اقدام پیشنهادی‌اش است. وقتی دشمنی آشکار میان ایران و آمریکا تا این درجه است، نمی‌توان انتظار داشت که لابی‌گری ایران کاری از پیش ببرد.

۲-۳. جمهوری اسلامی و لابی‌گری در آمریکا

در خصوص فعالیت‌های جمهوری اسلامی و اقداماتی که به منظور انجام لابی‌گری در ایالات متحده انجام داده است، هیچ منابع تأییدشده‌ای وجود ندارد. اطلاعات موجود نیز با توجه به نوع رابطه موجود میان ایران و آمریکا محرمانه تلقی گردیده و در اختیار محققین قرار نمی‌گیرد. به این دلیل، نمی‌توان به اظهار نظر قطعی در این خصوص پرداخت.

با توجه به موضوع این نوشتار و ضرورت پرداختن به فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در آمریکا، اهم مواردی که می‌توانست باعث ناکارآمدی سیاست‌های لابی‌گری ایران در آمریکا گردد بر شمرده شد و در یک پرسشنامه در اختیار مقامات ارشد دست‌اندرکار این حوزه قرار گرفت تا به آن پاسخ دهند. البته بسیاری از این مقامات با توجه به مسئولیت خود، به این شرط پرسشنامه را تکمیل نمودند که هویتشان مخفی بماند. از این رو، نمی‌توان به مسئولیت آنان اشاره کرد و فقط به ذکر این نکته بسنده می‌شود که این پرسشنامه‌ها توسط مسئولانی در شورای عالی امنیت ملی، وزارت خارجه، وزارت اطلاعات، مجلس شورای اسلامی، نهاد ریاست جمهوری و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تکمیل شده است.

برای سنجش پایایی پرسشنامه از سنجه ضریب الفای کرونباخ استفاده شده است. این عدد برای پرسشنامه، ۰,۷۱۳ بود. به همین جهت و با توجه به بالاتر بودن عدد از ۰,۷، این پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است. به منظور تأیید روایی پرسشنامه‌ها، برای تهیه آنها با دو تن از اساتید حوزه روابط بین‌الملل که در این حوزه تحقیقات متعددی انجام داده بودند، مشورت شد. همچنین دو نمونه ابتدایی نیز تکمیل گردید.

پرسشنامه بر اساس گویه‌های با ارزش مساوی تنظیم شده بود و حاوی ۱۳ سؤال بود که یازده سؤال آن بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تنظیم شده بود و دو سؤال نیز دو گزینه‌ای بود. چهارده عدد پرسشنامه توسط مقامات تکمیل گردید که نتایج حاصل از آنها در ادامه می‌آید.

۱-۲-۳. درک درست از ماهیت سیاست در آمریکا

داشتن درک صحیح از ماهیت سیاست در ایالات متحده یکی از پیش شرط‌های اصلی برای انجام لابی در آمریکاست. اگر این تصور غلبه داشته باشد که آمریکا سیاستی بسیط و کاملاً تحت سلطه صهیونیست‌ها دارد، دیگر امکان فعالیت برای ایران از بین می‌رود. به همین منظور، دو سؤال در پرسشنامه طرح شده بود که ترکیب پاسخ‌های داده شده به آنها در جدول شماره یک آمده است. بر این اساس، حدود ۳۶ درصد به متکثر بودن نظام سیاسی در آمریکا معتقدند و در مقابل ۲۱ درصد با این نظر مخالفند.

جدول شماره ۱. اعتقاد به تکثر در نظام سیاسی ایالات متحده

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
زیاد	۵	۳۵,۷	۳۵,۷
متوسط	۶	۴۲,۹	۷۸,۶
کم	۳	۲۱,۴	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

۲-۲-۳. میزان آشنایی با لابی‌ها و فعالیت‌های آنها

به منظور سنجش میزان آشنایی با لابی‌ها و فعالیت‌های آنها دو سؤال مطرح شده بود. در یک سؤال میزان آشنایی خود فرد با لابی‌ها پرسش شده بود که در پاسخ به آن ۵۷ درصد اظهار داشته‌اند زیاد و بسیار زیاد با لابی‌ها و فعالیت‌هایشان آشنایند و تنها ۱۴ درصد گفته‌اند که با لابی‌ها آشنایی اندکی دارند (جدول شماره ۲). سؤال دیگر درباره برآورد آنان از میزان آشنایی دیگر مسئولان سیاست خارجی با لابی‌ها بود که اعلام کرده‌اند تنها ۱۴ درصد با لابی‌ها آشنایی زیاد دارند و در مقابل ۳۵ درصد آشنایی اندکی با لابی‌ها دارند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۲. میزان آشنایی با لابی‌ها و فعالیت‌های آنها

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی زیاد	۴	۲۸,۶	۲۸,۶
زیاد	۴	۲۸,۶	۵۷,۱
متوسط	۴	۲۸,۶	۸۵,۷
کم	۲	۱۴,۳	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

جدول شماره ۳. میزان آشنایی سیاست‌گذاران حوزه سیاست خارجی با لابی‌ها در ایالات متحده

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
زیاد	۲	۱۴,۳	۱۴,۳
متوسط	۷	۵۰	۶۴,۳
کم	۵	۳۵,۷	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

۴. تأثیر لابی‌ها در ساخت سیاست خارجی آمریکا

نکته جالب توجه این است که ۷۱ درصد پاسخگویان معتقدند لابی‌ها در ساخت سیاست خارجی ایالات متحده نقش زیاد و بسیار زیادی دارند و در مقابل تنها ۷ درصد اظهار داشته‌اند که لابی‌ها نقش اندکی در شکل‌دهی به سیاست خارجی آمریکا دارند (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴. میزان تأثیر لابی‌ها در ساخت سیاست خارجی ایالات متحده

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی زیاد	۵	۳۵,۷	۳۵,۷
زیاد	۵	۳۵,۷	۷۱,۴
متوسط	۳	۲۱,۴	۹۲,۹
کم	۱	۷,۱	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

۴-۱. هزینه انجام لابی موفق در آمریکا

یکی از مهم‌ترین دلایلی که مسئولان تأثیرگذار در مخالفت با لابی‌گری در ایالات متحده بیان می‌کنند، هزینه زیاد این اقدام است و اینکه جمهوری اسلامی به راحتی توان انجام این کار را دارا نمی‌باشد. در این تحقیق نیز، ۷۱ درصد پاسخگویان هزینه انجام لابی موفق در ایالات متحده را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند و تنها ۷ درصد آن را کم دانسته‌اند (جدول شماره ۵). اما نکته جالب توجه این است که همه پاسخگویان اذعان داشته‌اند که هزینه تحریم‌های اعمال شده علیه ایران بیشتر از انجام لابی موفق به نفع جمهوری اسلامی است و به عبارت دیگر، این کار بر اساس منطقی اقتصادی، عقلایی است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۵. هزینه انجام لابی موفق در عرصه سیاست خارجی آمریکا

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
خیلی زیاد	۵	۳۵,۷	۳۵,۷
زیاد	۵	۳۵,۷	۷۱,۴
متوسط	۳	۲۱,۴	۹۲,۹
کم	۱	۷,۱	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

جدول شماره ۶. هزینه انجام لابی به نفع ایران در آمریکا بیشتر است یا هزینه تحریم‌های یک جانبه تحمیلی

از سوی ایالات متحده؟

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
هزینه تحریم‌ها	۱۴	۱۰۰	۱۰۰

۲-۴. موانع ایدئولوژیک در برابر لابی‌گری

یکی از مسائلی که همواره مطرح شده این است که با توجه به مشکلات بنیادین ایدئولوژیک، آیا می‌توان به کار در عرصه سیاست داخلی آمریکا مبادرت ورزید یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال ۸۵ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که می‌توان اقدام به لابی کرد و تنها ۱۵ درصد با این نظر مخالف بوده‌اند (جدول شماره ۷). شاید از همین پاسخ بتوان نتیجه گرفت که سیاست‌گذاران ارشد ایران، به مباحث سیاست خارجی با دیدی بسیار عمل‌گرا نگاه می‌کنند.

جدول شماره ۷. آیا می‌توان با گروه‌های داخل آمریکا کار کرد و از آنها در شکل‌دهی به سیاست آن کشور

استفاده نمود؟

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
بله	۱۲	۸۵,۷	۸۵,۷
خیر	۲	۱۴,۳	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

۳-۴. میزان فعالیت جمهوری اسلامی در زمینه لابی‌گری

یکی از مهم‌ترین اطلاعاتی که این پژوهش به دنبال دستیابی به آن بود، برآوردی صحیح از فعالیت جمهوری اسلامی در زمینه لابی‌گری بود. زیرا اطلاعات مربوط به این کار و نحوه آن کاملاً محرمانه تلقی شده و اعلام نمی‌گردد. در پاسخ به این سؤال، تنها ۷ درصد فعالیت لابی ایران را زیاد و ۵۸ درصد آن را کم و بسیار کم دانسته‌اند (جدول شماره ۸). این امر بدین معناست که جمهوری اسلامی اقدام قابل

توجهی در عرصه لابی‌گری در ایالات متحده انجام نداده است. از سوی دیگر، ۷۸ درصد این میزان فعالیت را به نسبت ظرفیت ایران برای لابی‌گری کم و بسیار کم دانسته‌اند (جدول شماره ۹). این امر به معنای عدم استفاده مناسب از پتانسیل موجود است.

جدول شماره ۸. میزان فعالیت جمهوری اسلامی در زمینه لابی‌گری در آمریکا

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
زیاد	۱	۷,۱	۷,۱
متوسط	۴	۲۸,۶	۳۵,۷
کم	۸	۵۷,۱	۹۲,۹
خیلی کم	۱	۷,۱	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

جدول شماره ۹. قابل قبول بودن فعالیت ایران برای لابی در آمریکا نسبت به پتانسیل موجود

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
متوسط	۳	۲۱,۴	۲۱,۴
کم	۱۰	۷۱,۴	۹۲,۹
خیلی کم	۱	۷,۱	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

۴-۴. ارزیابی میزان موفقیت لابی‌گری جمهوری اسلامی

یکی دیگر از نکات مهم، ارزیابی توان لابی‌گری ایران است. البته این توان را باید نسبت به حجم فعالیت انجام شده سنجید. بر این اساس، ۲۱ درصد اظهار داشته‌اند که نتایج لابی‌گری جمهوری اسلامی را به نسبت فعالیت انجام شده زیاد می‌دانند و در مقابل ۲۸ درصد هم آن را کم ارزیابی کرده‌اند (جدول شماره ۱۰). با توجه به این نتایج نمی‌توان در این خصوص اظهار نظر قطعی کرد.

جدول شماره ۱۰. میزان توفیق لابی‌گری جمهوری اسلامی در آمریکا نسبت به فعالیت انجام شده

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
زیاد	۳	۲۱,۴	۲۱,۴
متوسط	۷	۵۰	۷۱,۴
کم	۴	۲۸,۶	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

۴-۵. پیش بینی آینده لابی ایران

پیش بینی آینده لابی ایران هم نکته مهمی است. تصمیم گیران حوزه سیاست خارجی ایران درباره آینده لابی ایران امید زیادی نداشتند. ۲۸ درصد پاسخگویان اظهار داشته اند که لابی ایران می تواند در آینده به یک لابی قدرتمند تبدیل شود و ۱۴ درصد هم احتمال وقوع این امر را کم دانسته اند (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۱. احتمال تبدیل لابی ایران به یک لابی قدرتمند

	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
زیاد	۴	۲۸,۶	۲۸,۶
متوسط	۸	۵۷,۱	۸۵,۷
کم	۲	۱۴,۳	۱۰۰
مجموع	۱۴	۱۰۰	

۴-۶. علت عدم موفقیت لابی ایران

درباره علل عدم موفقیت لابی ایران در این پژوهش مطالب مختلفی مطرح شد. در آخرین سؤال مهم ترین علل مطرح شد و همچنین خواسته شد تا اگر دلیل دیگری به نظرشان می رسد، بیان شود. در میان دلایل مطرح شده، ۴۳ درصد از پاسخ دهندگان قبول نداشتن لابی توسط سیاستمداران ایرانی و یا عدم اطلاع از آن را مهم ترین دلیل ناکارآمدی لابی ایران دانسته اند. ۲۱ درصد هم ناهمخوانی ارزش ها بین دو کشور و دشمنی بنیادین موجود را دلیل اصلی این ناکارآمدی معرفی کرده اند. ۱۴ درصد نیز اظهار داشته اند که عدم اطلاع از ظرفیت موجود برای فعالیت در این خصوص علت اصلی نتیجه بخش نبودن لابی ایران است. همین میزان از پاسخ دهندگان عدم آشنایی با شیوه ها و روش های لابی را عامل اصلی عدم موفقیت لابی ایران دانسته اند. تنها ۷ درصد از پاسخ دهندگان علت عدم موفقیت لابی ایران را هزینه زیاد لابی گری در آمریکا دانسته اند (جدول شماره ۱۲).

جدول شماره ۱۲. علت عدم موفقیت لابی ایران را چه می‌دانید؟

درصد تجمعی	درصد معتبر	فراوانی	دلایل عدم موفقیت لابی ایران
۱۴,۳	۱۴,۳	۲	عدم اطلاع از ظرفیت موجود برای فعالیت در این خصوص
۳۵,۷	۲۱,۴	۳	ناهمخوانی ارزش‌ها بین دو کشور و دشمنی بنیادین موجود
۷۸,۶	۴۲,۹	۶	قبول نداشتن لابی توسط سیاستمداران ایرانی و یا عدم اطلاع از آن
۸۵,۷	۷,۱	۱	هزینه زیاد لابی‌گری در آمریکا
۱۰۰	۱۴,۳	۲	آشنا نبودن با شیوه‌ها و روش‌های لابی
	۱۰۰	۱۴	مجموع

از این اطلاعات می‌توان استفاده‌های متعددی کرد به برخی از آنها در بخش بعدی اشاره خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح‌شده در این نوشتار، مشخص است که ایرانیان ظرفیت و پتانسیل برخورداری از یک لابی قدرتمند را دارا بوده و به دلایلی نتوانسته‌اند از آن بهره‌برند. جمهوری اسلامی نیز از این پتانسیل استفاده کافی را نبرده است که مهم‌ترین نشانه آن، ادامه خصومت آمریکا با ایران است.

با بررسی مهم‌ترین مشکلات ایرانیان برای ایجاد یک لابی قدرتمند، مشخص می‌شود که اکثر این مشکلات به سبب فقدان آگاهی و اراده کافی برای ایجاد یک گروه قدرتمند در میان آنان و همچنین عدم اعتماد به چنین گروه‌هایی است. اطلاع‌رسانی از فواید وجود چنین گروه‌هایی و تلاش برای اهداف مورد توافق همه آنها می‌تواند مبنایی برای حل این مشکلات باشد.

اما در خصوص عملکرد جمهوری اسلامی با توجه به نتایج پیمایش، می‌توان نتیجه گرفت که مسئولان ارشد سیاست خارجی جمهوری اسلامی علی‌رغم آگاهی از اهمیت لابی و تأثیرگذاری آن در سیاست ایالات متحده، از شیوه‌ها و روش‌های لابی اطلاع کافی نداشته و به دلیل ناامیدی از شکل‌گیری یک لابی موثر توسط ایرانی‌تباران از توسل به آن خودداری می‌کنند.

از سوی دیگر، عملکرد جمهوری اسلامی در لابی‌گری تاکنون چشمگیر و قابل توجه نبوده است و به نسبت ظرفیت و پتانسیل موجود بسیار ضعیف می‌باشد. بنابراین، باید در این شیوه تجدید نظر به عمل آید. همچنین، عدم اعتقاد به

ثمربخش بودن ایجاد یک لابی ایرانی سبب شده است تا جمهوری اسلامی در مواردی که به دنبال لابی کردن است به لابی‌های همسو مانند لابی ارامنه روی آورد. باید توجه داشت که وجود یک لابی متمرکز از سوی ایرانیان عملکرد بسیار بهتری از لابی ارامنه خواهد داشت. نمونه لابی کوبا در این خصوص کاملاً گویاست. کوبائیان شرایطی نامساعدتر از ایرانیان دارند، اما با سازماندهی درونی و ایجاد یک لابی متمرکز توانسته‌اند سیاست خارجی ایالات متحده در موضوع مورد نظر خود را برای شصت سال تحت کنترل داشته باشند.

نکته دیگری که عامل عدم توجه جمهوری اسلامی به لابی‌هاست، تلاش ایران برای کار با دولت‌ها به جای کنگره است. همه مذاکراتی که تاکنون میان ایران و آمریکا انجام شده یا قصد انجام آنها وجود داشته است، در سطح دولت‌ها و یا با ابتکار آنها بوده است. همین تمایل، سبب شده تا به لابی‌گری توجه کافی صورت نگیرد.

در سطح نظری، نتایج یافت شده در این پژوهش در خصوص ناکارآمدی لابی ایرانیان با نظریه بتتلی هم‌خوانی دارد. مشکلات گروه‌گرایی ایرانیان در داخل آمریکا و عدم اعتقاد به کار گروهی و شبکه‌ای در داخل و خارج از آمریکا سبب شده است تا لابی‌های ایرانی قدرت لازم را نیابند و این نتایج دقیقاً با نظریه ارائه شده از سوی بتتلی هم‌خوانی دارد. بنابراین، نتایج نوشتار حاضر کاربست پذیری نظریه بتتلی درباره دلایل ضعف لابی‌های ایرانی در آمریکا را تأیید می‌کند.

به هر صورت با توجه به واقعیات و شرایط موجود، بهترین راه برای اثرگذاری بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی، استفاده از لابی‌ها در عرصه داخلی آمریکاست و ضرورت دارد برای ایجاد یک لابی قدرتمند ایرانی، اقدام فوری صورت گیرد. بعضی مسئولان ایرانی هم به این واقعیت واقفند، اما به امکان اثربخشی آن به دیده شک می‌نگرند و به همین دلیل سرمایه‌گذاری کافی در مورد آن انجام نمی‌دهند. البته این مسئله صحیح است که سرمایه‌گذاری برای ایجاد یک لابی قدرتمند، کاری طولانی مدت است و در کوتاه مدت بازده کافی را به همراه نخواهد داشت؛ اما بالاخره باید کار را از یک نقطه شروع کرد.*

یادداشت‌ها

۱. K Street محل دفاتر لابی‌ها در واشنگتن است.
۲. نگاه کنید به وب سایت هوشنگ امیراحمدی: <http://www.amirahmadi.com>
۳. نگاه کنید به این وب سایت: <http://www.campaigniran.org>





منابع

الف - فارسی

- آشوری، داریوش. ۱۳۷۳. *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- امین، فرشته. ۱۳۸۷. *رمز موفقیت ایرانیان در آمریکا*، ترجمه حمید شفیع پور. تهران: نشر هادیان.
- اوبرین، لی. ۱۳۸۳. *سازمان‌های یهودیان آمریکا و اسرائیل*، ترجمه علی ناصری، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- بیل، جیمز. ۱۳۷۱. *عقاب و شیر*، ترجمه مهوش غلامی، تهران: نشر کوبه.
- داعی، حسن. ۲۶ فوریه ۲۰۰۷. *تریتا پارسی و شورای ملی ایرانیان آمریکایی*، <http://www.iran-resist.org/article3160>، مراجعه در (۱۳۹۰/۵/۲۹).
- فولر، گراهام. ۱۳۸۷. *قبله عالم ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کاظمیان، مرتضی. ۱۳۸۷. «شورای آمریکائیان و ایرانیان»، *پایگاه تحلیلی ایران دیپلماسی*، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/All/bodyView/2858>، (۱۳۸۷/۷/۱۷).
- همه رنگ. ۱۹ آبان ۱۳۸۵. *چرا لابی ایرانی در آمریکا شکل نگرفته است؟* <http://azhamehrang.blogfa.com/post-859.aspx>، مراجعه در (۱۳۹۰/۵/۱۳).

ب - انگلیسی

- (NN). 2009. "PAAIA Releases 2009 National Survey of Iranian Americans", **Payvand Website**, from: <http://www.Payvand.com>, Retrieved (1390/5/12).
- Ansari, Azadeh. 2009. "Iranian-Americans cast ballots on Iran's future", **CNN** (2009-06-16), from: <http://www.cnn.com>, Retrieved (1390/7/14).
- Bentley, Arthur. 1908. **The Process of Government: A Study of Social Pressures**, Chicago: University of Chicago Press.
- Fata, Soraya and Raha Rafii. September 2003. *Strength in Numbers: The Relative Concentration of Iranian Americans across the United States*, **National Iranian American Council Website**, <http://www.niacouncil>

- .org/docs/irancensus.pdf, Retrieved (1390/5/11).
- Geocities. 2010. From: <http://www.geocities.com/CapitolHill/Lobby/3725/trita.html>, Retrieved (1389/10/2).
- Hakimzadeh, Shirin and Dixon, David. 2005. "Migration Policy Institute Spotlight on the Iranian Foreign Born Migration Information Source", From: <http://www.migrationinformation.org/USfocus/display.cfm?ID=404>, Retrieved (1390/7/10).
- Mostashari, Ali. 2003. "Factsheet on the Iranian-American Community", ***Iranian Studies Group Research Series***, October, from: <http://www.isgmit.org/projects-storage/census/Factsheet.pdf>, Retrieved (1390/5/15).
- Public Affairs Alliance of Iranian Americans (PAAIA). 2008. ***PAAIA WebSite***, <http://www.paaia.org/CMS/vision-mission-focus-history.aspx> Retrieved (1390/5/12).
- Sarkhili, Sara and Hazhir Rahmandad. 2007. How Iranian Americans perceive each other? http://www.isgmit.org/projects-storage/Survey_Perceive&Introduce/Sarkhili06-PerceptionOfIranianAmerican.pdf Retrieved (1390/5/15).
- Shakhnazarov, G.kh. ed. 1985. ***Contemporary Political Science in USA and Western Europe***, Translated by James Riordan, Melbourne: Progress Publisher.
- Taylor, Richard W. ed. 1957. ***Life, Language, Law: Essays in Honor of Arthur F. Bentley, Yellow Spring***, Ohio: Antioch Press.